

الباب الثاني من الواحد السابع في النية حيث ينبغي ان...

حضرت باب

اصلي فارسي



الباب الثاني من الواحد السابع في النية حيث ينبغي ان لا
يعمل احد من عمل الا ويقولن بلسانه اني لا قومن او
اقعدن لله رب السموات و رب الارض رب كلشي رب
ما يري و ما لا يري رب العالمين و ان يقرء بقلبه يجزي
عنه.

ملخص این باب آنکه هیچ عملی عمل نمیگردد الا آنکه لله واقع شود و از این جهت امر شده که هر عاملی حین عمل گوید انی لاعملن هذا لله رب السموات و رب الارض رب ما يري و ما لا يري رب العالمين و اگر در قلب تلاوت کند مجزی است از او ولی لله واقع نمیگردد عمل مگر آنکه معرفت بهم رسانند بشجره حقیقت که این آیه آیتی است از آیات او و بآیه او در نفس خود از او محتجب نگردید در یوم قیامت

چنانچه در قرآن هر کس عامل از برای رسول الله - صلی الله علیه و اله - و حروف حی او بود عامل از برای خدا بود و محبوب نیست که کسی عمل کند از برای کسی الا آنکه لله کند و لله نمیشود الا آنکه از برای آن ظهور کند امروز عبادی که در انجیل عاملند کل از برای خدا میکنند بامر عیسی - علیه السلام - اگر چه تا قبل از روز رسول الله - صلی الله علیه و اله - لله بود ولی حین ظهور لدون الله میشود بلکه در آن ظهور باید از



ORIGINAL



AUDIO

برای رسول الله - صلی الله علیه و اله - کند که آن وقت الله ثابت میگردد و همچنین عبادی که در بیان عاملند از برای خدا و این آیه را میخوانند اگر در یوم ظهور "من یظهره الله" از برای او عمل کردند الله کرده اند و الا باطل میگردد که گویا هیچ عمل نکرده اند

این در صورت اصل دین است دیگر فرع آنرا خود اخذ کن و شئون دنیایی که باید الله شود خود ادراک نما مثلا غذا تناول مینمائی و قصد میکنی که از برای خدا میکنی و حال آنکه از شجره که مدل علی الله هست محتجب هستی که این آیه که در نفس تو است از آن شجره مشرق گشته و راجع باون میگردد در ظهور اخرای آن و گاه هست که خود از اون منع میکنی آنچه از برای او در نفس خود میکنی و همین قسم کل شئوت را مشاهده کن در دنیا که میگوئی از برای او است و از او محتجب هستی و همچنین شئون دین را ملاحظه کن تا بچهره کلمه توحید منتهی گردد اگر در یوم ظهور "من یظهره الله" از برای او عمل کردی الله کرده چه گفتن ﴿لا اله الا الله﴾ باشد و چه آب خوردن و الا اگر از برای او نکنی اگر ﴿لا اله الا الله﴾ بگوئی در نار میروی و اگر آب بیاشامی شراب دون جنت آشامیده

از این علم جوهر بسیط است که حین ظهور رسول الله - صلی الله علیه و اله - حکم شد که کل ملل لدون الله عاملند اگر چه کل بکتاب خدا و رسول او در زمان خود مؤمن بوده و الان هم هستند که ظاهر است سر آن این است که همان مطاع از یوم آدم همان رسول الله هست و کل کتب منزله قرآنی است که بر او نازل شده که در حقیقت از ظهور قبل محبوب مانده و از کتاب او چونکه نشناخته که این همان است که در ظهور بعد ظاهر شده

حال هم اگر عمل کنی الله در بیان و خارج نگرانی از حروف واحد و کل را قائم بحروف اول بینی بلکه در آنها غیر از ظهور او ظاهر نبینی در لیل اللیل الله عامل بوده ولی حین ظهور "من یظهره الله" اگر کل اعمال از برای نقطه کنی که لدون الله میشود زیرا که نقطه بیان آنروز همان "من یظهره الله" است نه دون آن و همچنین حروف حی همان حروف حی او است که تو از برای آنها عامل بوده چگونه میشود وقتی که ظاهر میشوند عامل نیستی

این است که در نزد هر ظهوری خلق کثیر بگان آنکه الله میکنند غرق میشوند و لدون الله میشوند و خود ملتفت نمیشوند الا من شاء الله ان یهدیه که اگر نفسی نفسی را هدایت کند بهتر است از برای او از اینکه مشرق تا مغرب را مالک شود و همچنین از برای مهتدی بهتر است از کل ما علی الارض زیرا که هدایت بعد از موت داخل جنت میگردد ولی بما علی الارض بعد از موت آنچه مستحق است بر او نازل میآید این است که خداوند دوست میدارد که کل را هدایت کند بکلمات "من یظهره الله" ولی نفوس مستکبره خود مهتدی نمیشود بعضی با اسم علم و بعضی بعز و هر نفسی بشیئ محتجب میگردد که در نزد موت هیچ نفع نمی بخشد او را

کمال دقت نموده که از صراط احد من السیف و ادق من الشعر بهدایت هادی کل مهتدی گشته لعل آنچه از اول عمر تا آخر الله میشود یک دفعه لدون الله نشود و خبر نشوی و الله یهدی من یشاء الی صراط حق یقین.

